

جرمانگاری رفتار علیه اطفال (در اسناد بین‌المللی و حقوق جزای ایران)

(۱)

فرخ فروزان کرمانی
وکیل پایه یک دادگستری



کودکان به عنون آسیب‌پذیرترین افراد جامعه در مقابل رفتار مجرمانه بزه کاران بزرگسال نیاز به حمایت‌های ویژه‌ای دارند تا از بزه دیده واقع شدن آنان - حتی‌الامکان - جلوگیری به عمل آید. این حمایت‌ها را می‌توان در قالب حمایت‌های عام و حمایت‌های خاص تقسیم‌بندی کرد. هر یک از این حمایت‌ها، را در این مقاله در یک مبحث مورد بررسی قرار خواهیم داد.

الف) حمایت‌های عام از اطفال بزه دیده در اسناد بین‌المللی و حقوق جزای ایران

اسناد بین‌المللی سازمان ملل متحد رهنمودهای متعددی را در قبال کودکان بزه دیده ارائه می‌کند که ضرورت دارد به منظور اعتلای حقوق کودکان از سوی قانونگذاران داخلی، مورد توجه قرار گیرد. این رهنمودها را می‌توان تحت عنوان رهنمودهای عام و خاص مطالعه کرد.

۱- رهنمودهای عام

در ابتدای پژوهش حاضر معنای کودک در اسناد بین‌المللی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، کودک را چنین تعریف می‌کند: «کودک یعنی هر انسان زیر هجده سال، مگر این که بر طبق قانون مربوط، سن بلوغ کمتر باشد.»^۱

کنوانسیون در تعریف کودک تنها معیار و ملاک تمایز وی از بزرگسالان را، سن کودک قرار داده است و مقولات دیگر از قبیل رشد و عقل مورد توجه قرار نگرفته است. اشاره تدوین کنندگان به سن زیر هجده سال، بیانگر آن است که کودکی، طیف گسترده سنی از لحظه تولد تا رسیدن به این سن است و بدیهی است که در سنین مختلف این طیف نیازها، توانایی‌ها و قابلیت‌های فرد متفاوت است؛ مثل حداقل سن کار یا حداقل سن مشارکت سیاسی.

در حقیقت سن ۱۸ سالگی مرز کودکی و بزرگسالی است. این سن، همان سن رشد و رسیدن به مرحله‌ای از زندگی است که فرد توانایی و درک لازم برای خروج از دوران کودکی، ورود به عرضه بزرگسالی و استقلال در اعمال حقوقی خود پیدا می‌کند. به بیان دیگر، شخص به مرحله‌ای از بلوغ جسمی و روانی می‌رسد که دیگر محجور نیست و می‌تواند در مورد مسایل مربوط به خود تصمیم‌گیری کرده و آنها را به مرحله اجرا در آورد و اهلیت استیفا نیز دارد.

تدوین کنندگان کنوانسیون به این مهم توجه کرده‌اند که این معیار (سن) به تناسب موقعیت اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، جغرافیایی و ... کشورها متفاوت است.

در ادامه ماده ۱ چنین مقرر شده است که: «... مگر اینکه بر طبق قانون مربوط به کودک، سن بلوغ کمتر باشد.» بنابراین دولت‌ها از جمله دولت ایران می‌توانند به استناد قانون داخلی، سنی متفاوت را برگزیده و بدان عمل کنند.

۱. به نقل از: امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر (قسمت اول: اسناد جهانی)، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹.

یادآوری این نکته نیز ضرورت دارد که هر چند این تخصیص به دولت‌ها اختیار تعیین سن کمتر را می‌دهد، اما در مواردی که ممکن است تأمین و حمایت مصادیقی از حقوق کودک به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت‌الشعاع سن تعیین شده قرار گیرد، به طور صریح یا ضمنی بر رعایت سن مورد نظر کنوانسیون تأکید شده است به ویژه در مواردی که ملازمه رشد و بلوغ انکارناپذیر است از جمله در مورد «سن مسؤلیت کیفری» و «ممنوعیت اعمال مجازات‌های سنگین مانند: اعدام و حبس ابد برای افراد زیر هجده سال (ماده ۳۷ کنوانسیون)»^۱ و نیز «حداقل سن ازدواج».

بر پایه آنچه گذشت، کنوانسیون:

۱- کودک را فرد زیر هجده سال می‌داند.

۲- کودک اعم از دختر یا پسر، بدون تفکیک جنسیتی است.

۳- اصل بر اختیار دولت‌ها در تعیین سن بلوغ است مگر در مواردی که مصلحت کودک در حفظ بالاترین منفعت وی ایجاب کند که در این صورت سن مورد نظر کنوانسیون اعمال خواهد شد.

۴- در کنوانسیون استثنائاتی که ممکن است وجود داشته باشد، مطرح شده ولی مورد حکم نبوده‌اند مانند کودک مجنون یا افرادی که در سن پایین‌تر از هجده سالگی به مرحله‌ی بزرگسالی می‌رسند.^۲

در این جا برای جلوگیری از اطاله کلام و عدم ارتباط موضوعی، در این خصوص بیش از این نمی‌پردازیم^۳ و پس از پرداختن به معنای «کودک بزه دیده»

۱. ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹: «کشورهای طرف کنوانسیون اجرای اقدامات زیر را متقبل می‌شوند: الف) هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی یا مغایر شئون انسانی قرار گیرد. ب) مجازات اعدام و یا حبس ابد بدون امکان بخشودگی را نمی‌توان در مورد کودکان زیر ۱۸ سال اعمال کرد....»

۲. مصفا، نسربین و دیگران، کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نشر گرایش)، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۲۱.

۳. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص ر. ک. بررسی حقوق بشر اطفال در حقوق جزای ایران،

در مورد رهنمودهای عامی که درباره حمایت از کودکان بزه دیده در اسناد بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است بحث و در ضمن به میزان رعایت آنها، در سیاست جنایی و نظام قانونگزاری ایران پرداخته خواهد شد.

۱-۱- تعریف کودک بزه دیده

بزه‌دیده^۱ در معنای عام شخصی است که به جهت وضعیت و موقعیت خاص، متحمل پیامدهای دردآور و مشقت باری می‌شود که عواملی با ریشه‌های فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی طبیعی دارد.^۲ و بزه‌دیده در معنای خاص آن به شخصی اطلاق می‌شود که بر اثر رفتاری که در قانون جرم تلقی شده و قابل مجازات است، متحمل آسیب شود. این آسیب ممکن است جسمانی، روانی، عاطفی یا مالی باشد.^۳

«اعلامیه سازمان ملل درباره اصول بنیادی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سواستفاده از قدرت»^۴ بزه‌دیدگان را اشخاصی تعریف می‌کند که در اثر فعل یا ترک فعل‌هایی که ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو است، به طور فردی یا گروهی دچار آسیب جسمی، روانی، درد و رنج عاطفی، خسارت مالی و یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود شوند.^۵

از این تعاریف آشکار می‌شود که بزه‌دیده می‌تواند «مستقیم» یا «غیرمستقیم» باشد. بزه دیده مستقیم اولین کسی است که مستقیماً از جرم متضرر می‌گردد و

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد بندرعباس به قلم نگارنده.

۱. Victim.

۲. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی، تقریرات درسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.

۳. عیاجی، مریم، رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه دیده، مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های ۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۴، ص ۱۷۴.

۴. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power (Declaration of Basic Principles of Justice)

بزه دیده غیر مستقیم یا ثانویه کسی است که جرم را مستقیماً تجربه نکرده اما به واسطه جرم، به شکل غیرمستقیم از وقوع جرم متحمل درد و رنج می‌شود. کودکان به همان اندازه که ممکن است بزه دیده مستقیم جرم واقع شوند، ممکن است بزه دیده غیرمستقیم جرم باشند اما معنای بزه دیده در پژوهش پیش رو، بزه دیده مستقیم و به عبارت دقیق‌تر «طفل بزده دیده مستقیم» است.

– طفل بزه دیده در معنای عام

نظر به تعریفی که از کودک در قسمت پیشین ارایه شد و معنای بزه دیده بیان شده در این بند، می‌توان کودک بزهدیده در معنای عام را این‌گونه تعریف کرد: «هر فرد زیر هجده سال که بر اثر رفتار عمدی یا غیرعمدی که به موجب قانون جرم محسوب می‌شود، متحمل آسیب‌های جسمانی، روانی، عاطفی و یا مالی شود.»

در این تعریف معنای دقیق طفل بزه دیده ارایه نشده است چرا که کودکان به عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند و در بسیاری از موارد نوع بزهدیدگی آنان متفاوت و دایره‌ی جرم‌انگاری رفتار علیه کودکان وسیع‌تر خواهد بود. از همین رو ضرورت دارد طفل بزهدیده در معنای خاصی نیز تعریف شود.

– طفل بزهدیده در معنای خاص

کودکان به لحاظ دارا بودن ویژگی‌های خاص جسمی و روحی - نسبت به بزرگسالان - و اینکه در مرحله‌ی رشد و تکامل بوده و نیازمند حمایت از سوی والدین، سرپرستان و مراقبان خود هستند، باید مورد حمایت ویژه قرار گیرند. به همین منظور، قانونگذار برخی رفتارها را که منجر به آسیب جسمانی، روانی، عاطفی و اخلاقی کودک می‌شود و یا وضعیت اجتماعی و رشد وی را به مخاطره می‌اندازد، تحت عنوان «سوء استفاده از کودک»^۱ و «بی‌توجهی»^۲ نسبت به وی یا

۱. Child abuse

۲. Neglect

همان کودک‌آزاری که غالباً توسط والدین، سرپرستان قانونی و یا کسانی که تربیت و نگهداری کودکان به آنان محول شده ارتکاب می‌یابد، جرم‌انگاری کرده و از این طریق اطفال را از حمایت‌های ویژه بهره‌مند می‌سازد.

«سو استفاده از کودک» عبارت است از هر حالت یا رفتار (اعم از فعل یا ترک فعل) علیه کودک توسط والدین، سرپرستان قانونی و هر فردی که مسؤولیت نگهداری و تربیت، آموزش و پرورش کودک را بر عهده دارد که منجر به ایراد صدمه و آسیب جسمانی، روانی و عاطفی گردد و یا موجب توقف در رشد وی شود. این سو استفاده به سو استفاده جنسی، جسمی و عاطفی تقسیم می‌شود.^۱

«بی‌توجهی» عبارت است از کوتاهی و قصور والدین، سرپرستان قانونی و یا هر فردی که مسؤولیت نگهداری، تربیت و آموزش و پرورش کودک بر عهده اوست، در انجام مسؤولیت خود. اگر این امر یک بار صورت گیرد کودک‌آزاری محسوب نمی‌شود اما اگر تکرار گردد، قطعاً کودک‌آزاری به حساب می‌آید.

نوع و ماهیت این جرم که بیشتر با استمرار و تکرار همراه است و نیز نحوه ارتباط کودک با مرتکب و از همه مهمتر، تبعات منفی این نوع جرم علیه کودک که موجب پدید آمدن آسیب‌های مخرب و پایداری می‌شود، «بزه دیدگی خاص کودک» را به وجود می‌آورد.^۲

در بزه‌دیدگی خاص کودکان، اصولاً جرایم غیر عمدی و مالی مستثنی است و بیشتر سو رفتارهای عمدی و بی‌توجهی‌های غیر متعارف مورد توجه است. بنابراین کودک بزه‌دیده در معنای خاص هر فرد زیر هجده سال است که از سوی والدین، سرپرستان قانونی و کسانی که به نوعی مسؤولیت تربیت و نگهداری

۱. جهت مطالعه تفصیلی در خصوص کودک‌آزاری به منابع زیر رجوع کنید:

- آقاییک لویی، عباس، و همکاران، کودک‌آزاری، انتشارات آوند دانش، چاپ اول، ۱۳۸۴.

- پورناجی، بنفشه، مرگ خاموش (نگاهی به پدیده کودک‌آزاری)، انتشارات همشهری، چاپ اول، ۱۳۷۸.

- مدنی، سعید، کودک‌آزاری در ایران، انتشارات اکنون، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۲. عباچی، مریم، رهنمودهای حقوق کیفری، منبع پیشین، صص ۱۷۶ و ۱۷۷.

و آموزش و پرورش کودکان را دارند مورد سو استفاده یا بی توجهی قرار گرفته و در پی آن تمامیت جسمانی، روانی، اخلاقی و نیز فرایند رشد وی مورد آسیب واقع شده است.

در اسناد بین‌المللی، کودکان و نوجوانان کمتر از هجده سال که علیه آنان جرمی به وقوع پیوسته است، صرف‌نظر از نقش آنان در ارتکاب جرم و یا تعقیب متهم یا متهمان بزه دیده تلقی شده‌اند. در این تعریف هیچ تفاوتی بین آن دسته از جرایم که مشترک بین کودکان و بزرگسالان است و دسته دیگر از جرایم که فقط علیه کودکان ارتکاب می‌یابد دیده نمی‌شود و تمامی کودکان بزه دیده را - در معنای عام و خاص - مشمول حمایت‌های پیش‌بینی شده در فرایند کیفری می‌داند.

– طفل بزه‌دیده در قانون‌های ایران

در حقوق ایران با توجه به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ منظور از کودک بزه دیده، فردی است زیر هجده سال که علیه او جرمی به وقوع پیوسته است.^۱

اما در قانون مذکور و سایر قوانین، عنصر مهمی که در بزه‌دیدگی ویژه کودکان باید مورد توجه قرار گیرد (یعنی همان ارتباط عاطفی و نزدیک مرتکب با کودک) در شرایط خاص نادیده گرفته شده است. بنابراین طبق قانون مذکور، مادر، پدر و سرپرستان قانونی، حق تنبیه بدنی کودک را به شرط متعارف بودن دارا هستند.^۲ مسأله مهم در این زمینه عدم تعریف قانونگذار از اصطلاح «حد متعارف» است. با توجه به تنوع فرهنگ‌ها در نقاط مختلف ایران، حد متعارف تنبیه کودک از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت می‌باشد و به همین دلیل احتمال آزار و اذیت

۱. ماده یک.

۲. ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌دارد: «اعمال زیر جرم محسوب نمی‌شود: ۱- اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام شود مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد.

کودک از سوی والدین بسیار زیاد است.

پس می‌توان گفت که قانونگذار ایران با تدوین این ماده، نه تنها در راستای حمایت از کودکان گام نهاده، بلکه به گونه‌ای، موجبات بزه دیده شدن اطفال را فراهم کرده است. لذا اصلاح این ماده از قانون برای حمایت از کودکان امری ضروری می‌باشد.

۲-۱- آموزه‌های فراگیر

اسناد بین‌المللی در راستای حمایت از کودکان بزه دیده و نیز جلوگیری از متضرر شدن اطفال از جرایم متعدد، آموزه‌هایی را تبیین می‌کنند که قانونگذاران کشورهای مختلف به موجب آنها موظفند این اصول و آموزه‌ها را در وضع قوانین نسبت به اطفال مد نظر قرار دهند و به گونه‌ای در قوانین ماهوی نهادینه کنند. این آموزه‌ها عبارتند از «مراعات کرامت انسانی»، «عدم تبعیض» و «توجه به منافع عالی کودکان».

در این مجال به توضیح هر یک پرداخته و میزان مراعات آنها در قوانین جزایی ماهوی ایران را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

- مراعات کرامت انسانی

احترام گذاشتن به شأن و منزلت کودک یکی از حقوق بنیادین اوست. هر کودک، انسانی منحصر به فرد و دارای شخصیت مستقل در حال رشد و تکامل و لذا موجودی ارزشمند و قابل احترام است. نیازهای خاص، منافع و حریم او باید محترم شمرده شود و مورد حمایت قرار گیرد.^۱

مطابق این اصل در برخورد با کودکان باید شأن و منزلت آنها مورد توجه قرار گیرد و از آنجا که کودکان افرادی مستقل از بزرگسالان هستند، باید نیازهای خاص آنان شناسایی شود و جهت رفع آن نیازها اقدام‌هایی صورت گیرد. اصل توجه به کرامت انسانی، در مرحله‌ی مواجهه و برخورد با کودک در فرایند

۱. Guidelines on Justice in Matters Involving Child victims and Witnesses of Crime, .

UN, Article 8.a.

کیفری تبلور می‌یابد، و در هنگام وضع قانون کیفری ماهوی مربوط به کودک، این اصل باید مورد توجه قرار گیرد. براساس معیارهای بین‌المللی شأن، منزلت و کرامت کودک صرف نظر از نژاد، رنگ، جنس، وضعیت تولد، دین، مذهب، وضعیت اجتماعی و غیره باید مورد احترام واقع شود. لذا در اولین گام حقوق کیفری ماهوی باید زمینه‌های توجه به کرامت کودک را فراهم سازد.

در حقوق ایران، اصل کرامت انسانی در خصوص کودکان محترم شمرده شده است، مگر در موارد استثنایی مانند کودکان نامشروع که منتسب به والدین نمی‌باشند.^۱ و یا عدم قبول شهادت کودک به ویژه در جرایم علیه کودک از موارد بسیار مورد اهمیت است. زمانی که جرمی علیه کودک اتفاق می‌افتد و معمولاً به غیر از خود وی فرد دیگری شاهد آن جرم نیست، عدم قبول شهادت طفل می‌تواند تالی فاسدهای زیادی داشته باشد. از جمله این که بزه کار از مجازات برائت حاصل کند و در نتیجه حقوق کودک تضییع می‌گردد و به علاوه مجرم نیز جرمی شده و دست به ارتکاب مجدد این جرم - علیه همان کودک^۲ و یا کودکان دیگر - می‌زند.

- عدم تبعیض^۳

این اصل یکی از اصول اساسی حقوق بشر است که نسبت به تمامی افراد بزرگسال و کودکان باید اجرا گردد. براساس این اصل، نباید هیچ گونه تبعیضی بین کودکان قایل شد. لذا میان کودکان به دلیل نژاد، قومیت، رنگ پوست، جنسیت، زبان، فرهنگ، عقاید سیاسی، خاستگاه‌های ملی، قومی یا اجتماعی، دارایی، معلولیت، نسبت یا سایر ویژگی‌های کودک یا والدین یا سرپرستان قانونی او نباید تبعیض قایل شد.^۴ و با هر کودکی - صرف نظر از ویژگی‌هایی که گفته

۱. ماده‌ی ۱۱۶۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود.»

۲. پس تدوین اینگونه مقررات می‌تواند موجب بزه دیدگی مجدد طفل شود.

۳. Non - Discrimination

۴. Convention on the Rights of the Child, UN, Article 2.

شد - باید به طور عادلانه و برابر رفتار شود.^۱

تأکید بر عدم تبعیض بین کودکان، از آنجا نشأت می‌گیرد که در برخی جوامع به لحاظ وجود برخی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فوق، کودکان از حقوق واقعی برخوردار نبوده و یا از حقوق خود محروم می‌شوند. کودکان بزه دیده نیز از این اصل مستثنی نیستند، بنابراین، بین کودکان بزه دیده نیز نباید تفاوتی قایل شد و همه کودکان با ویژگی‌هایی که بر شمرده شد به صورت یکسان از این حق بهره مند خواهند بود.

مراعات اصل عدم تبعیض بین کودکان سبب نمی‌شود در برخی از شرایط که بعضی از کودکان به مساعدت‌های ویژه‌ای نیازمندند، جهت رفع نیازها و مشکلاتشان مورد حمایت‌های بیشتر قرار نگیرند.^۲

قوانین و مقررات ایران - چه در قلمرو بزه‌کاری و چه در حیطه بزه‌دیدگی کودکان - تفاوت‌هایی را قایل شده است که در حوزه بزه‌دیدگی بیشتر ناظر بر جنسیت آنان می‌باشد. در جرایم مستوجب دیات، در شرایط خاص دیه دختران نصف دیه‌ی پسران است.^۳ و در برخی از جرایم علیه کودکان، جنسیت موجب تغییر در سیاست جنایی می‌شود. به عنوان مثال در صورت زنا‌ی زن محصنه با پسر نابالغ حد تازیانه اعمال می‌شود در حالی که زنا‌ی مرد محصن با دختران نابالغ موجب حد رجم است. به این ترتیب کودکان ذکور کمتر مورد حمایت قانونگذار ایرانی قرار گرفته‌اند.^۴

۱. Guidelines on Justice in Matters Involving Child victims and Witnesses of Crime, ۱

Un, Article 8.b.

Ibid, Article 17 b. ۲

۳. ماده ۳۰۱ ق.م.ا. : «دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است.»

۴. ماده ۸۳ ق.م.ا. : «حد زنا در موارد زیر رجم است: الف- زنا‌ی مرد محصن، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او در حالی که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد با او جماع کند. ب- زنا‌ی زن محصنه با مرد بالغ، زن محصنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر در حالی

- توجه به منافع عالی کودک^۱

توجه به عالی‌ترین منافع کودک، حق اوست.^۲ تمام اقدام‌هایی که از طریق مؤسسات و نهادهای رفاه اجتماعی - چه دولتی و چه غیردولتی - مقامات اجرایی و نهادهای قانونگزاری اتخاذ می‌گردد، باید براساس توجه به این حق صورت گیرد. جهت تضمین این منافع باید برنامه‌های رفاهی، حقوقی و تکالیف والدین، سرپرستان قانونی یا سایر اشخاصی که به طور قانونی مسئولیت کودک را بر عهده دارند، مشخص شده و زمینه‌های اجرایی قانون نیز فراهم شود. همچنین تمام نهادهایی که به نوعی مسئولیت مراقبت، حمایت و نگهداری از کودک را دارند باید با معیارهای موجود هماهنگ و منطبق گردند.^۳

در خصوص منافع عالی کودک دو موضوع مورد توجه است که عبارتند از «حمایت» و «رشد هماهنگ» که در ادامه هر یک مختصراً مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

- رشد هماهنگ^۴

توجه به رشد همه جانبه کودک از جمله حقوقی است که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. هر کودکی حق داشتن فرصت مناسب برای رشد هماهنگ و همچنین برخورداری از استانداردهای زندگی‌ای را که برای رشد جسمی، روانی، روحی و اجتماعی لازم است دارد، اقدام‌های مؤثری در جهت توانمند ساختن کودکی که به نوعی مورد آسیب قرار گرفته است جهت برخورداری از رشد سالم باید اتخاذ گردد.^۵ والدین یا حسب مورد سرپرستان قانونی، مسئولیت اصلی در پرورش و

که زن عاقل بوده با او جماع کرده و امکان جماع با شوهر را نیز داشته باشد.
تبصره: زناي زن محصنه با نابالغ موجب حد تازیانه است.

۱. Best Interests of the Child .۱

۲. Guidelines on Justice, UN, Article 8.c .۲

۳. Convention on the Rights of the Child, UN, Article 12, 3 .۳

۴. Harmonious Development .۴

۵. Guidelines on Justice in Matters Involving Child victims and Witnesses of Crime, .۵

رشد کودک و نیز تأمین امکانات مالی را بر عهده دارند. دولت‌ها برای اعمال این حق، باید به والدین و دیگر افرادی که به نوعی مسؤولیت کودک را برعهده دارند، مساعدت کرده و گسترش تسهیلات و خدمات برای مراقبت از کودکان را تضمین کنند.^۱

این اصل در حقوق ایران نیز مورد توجه ویژه قرار گرفته است. رشد کودک با چگونگی تربیت او رابطه نزدیکی دارد و توجه به معیارهای تربیتی مهم‌ترین ابزار جهت اعتدال رشد او می‌باشد. از آن جا که رشد کودک در وهله نخست در خانواده صورت می‌گیرد و والدین و سرپرستان قانونی، مسؤول فراهم ساختن زمینه‌های لازم جهت رشد کودک هستند، بنابراین توجه به نهاد خانواده از اهمیت بسزایی برخوردار است. اما از سویی استفاده نادرست والدین از حقوقی که قانون به آنها داده است، می‌تواند مانعی برای رشد کودک باشد.^۲ از جمله این موارد حق تنبیه کودک است که اگر در حد متعارف باشد، مسؤولیتی را برای والدین ایجاد نمی‌کند و عنوان مجرمانه نیز ندارد. هر چند که تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف موجب سلب حق حضانت والدین است.^۳

همانگونه که گفته شد، عدم تعریف قانونی در خصوص متعارف بودن تنبیه، باب تفسیر قضایی را برخلاف منافع کودک، گشوده است و به این صورت سبب ایجاد مانع در رشد همه جانبه، کودک می‌شود. ازدواج کودکان به ویژه دختران زیر سن تعیین شده به رغم اجازه ولی آنان نیز می‌تواند مانعی برای رشد کودک

2. -UN, Article 8c

Convention on the Rights of the Child, UN, Article 18-1, 2, 27-1,2, 3, 5, 6. ۱

۲. ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی: ابوی حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه کنند.

ماده ۴۹ ق.م.ا. نیز مقرر می‌دارد: اعمال زیر جرم محسوب نمی‌شود: ۱- اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام شود مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد.

۳. ماده ۱۱۷۳ ق.م.

محسوب گردد. از آنجایی که مصلحت توسط ولی و با تشخیص دادگاه صالح مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، به این ترتیب امکان دارد با منافع واقعی کودک در تعارض قرار گرفته و رشد همه جانبه و هماهنگ وی را تحت تأثیر قرار دهد.^۱

- حمایت^۲

نظر به وضعیت خاص کودکان، هر کودکی باید در برابر هر گونه سختی و آسیب، سو استفاده یا بی‌توجهی - که می‌تواند شامل سو استفاده‌های جسمی، روانی، روحی و یا عاطفی باشد - مورد حمایت قرار گیرد. به ویژه زمانی که این آسیب‌ها از سوی والدین یا سرپرستان قانونی کودکان انجام شود.^۳

در راستای بهبود وضعیت جسمانی و روانی و بازگشت مجدد کودک به جامعه، به خصوص زمانی که مورد سوء استفاده و بی‌توجهی، بهره‌کشی، آزار، شکنجه یا سایر رفتارها یا تنبیه شدید و غیر انسانی یا درگیری مسلحانه قرار می‌گیرد،^۴ باید اقدام‌های مؤثر در محیطی که سلامت، عزت نفس و منزلت کودک تقویت شود، انجام پذیرد.^۵

در حقوق ایران نیز حق کودک برای بقا و زندگی به رسمیت شناخته شده و قانونگذار به منظور اعمال بهتر این حق، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را به تصویب رسانده است. در قوانین و مقررات ایران که تا اندازه‌ای متأثر از شریعت اسلام است، حق بقا و زندگی کودک، حتی به دوران جنینی بر می‌گردد و جهت حمایت از حمل، قانونگذار سقط جنین را جرم و قابل مجازات دانسته است. این

۱. عباچی، مریم، رهنمودهای حقوق کیفری.....، منبع پیشین، صص ۱۸۱ تا ۱۸۳.

۲. Protection

۳. Guidelines on Justice in Matters Involving Child victims and Witnesses of Crime,

UN, Article 8a.

۴. در خصوص انواع این جرایم و حمایت‌های خاص که باید از سوی نظام قانونگذاری کشورها درباره این جرایم صورت پذیرد در مبحث دوم همین فصل مفصلاً بحث خواهد شد.

۵. کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، ماده ۳۹.

مجازات‌ها غالباً به صورت پرداخت دیه است.^۱ در برخی از موارد بقای جنین آن چنان واجد اهمیت است که تحت شرایطی علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، مرتکب حسب مورد به مجازات حبس نیز محکوم می‌گردد و به این ترتیب این شرایط از عوامل تشدید مجازات محسوب می‌گردند.^۲ اما از سوی دیگر در خصوص سلب حیات فرزند توسط پدر یا جد پدری به موجب قانون ایران، قصاص ساقط می‌گردد و قاتل تنها به پرداخت دیه و تعزیر محکوم می‌شود که در عمل نمی‌تواند حمایت مناسبی از حق حیات کودک به شمار آید، چرا که عدم تعادل میان کیفر پدر و جد پدری با دیگران، نوعی سیاست تخفیفی را درباره آنها جاری می‌کند که می‌تواند در خصوص حق حیات کودک در برابر این اشخاص نوعی بی‌مبالاتی را رقم بزند.^۳ قانونگذار ایران، گاهی حق حیات را تا حدی محترم شمرده که کسی را که تحت شرایطی موجب سقط جنین شود، مستوجب قصاص می‌داند و گاه سلب حیات از کودک توسط پدر یا جد پدری را تنها مستوجب دیه و تعزیر دانسته، در حالی که از نظر معیارهای بین‌المللی جرم علیه کودک، توسط والدین یا سرپرستان و مراقبان وی مستوجب مجازات اشد است.

۱. ر.ک. : مواد ۴۸۷ تا ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.

۲. ماده ۶۲۲ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: هرکس عالماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار دادن زن حامله، موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

۳. ماده ۲۲۰ ق.م.ا. : «پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد.»

- جهت مطالعه در این خصوص ر.ک. : میزگرد حمایت کیفری از اطفال بزه دیده در نظام حقوقی ایران با حضور دکتر اردبیلی، دکتر نجفی ابرند آبادی، حجه الاسلام ایزد پناه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۶، سال ۱۳۸۳.

- مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۴.

۲- رهنمودهای خاص

به غیر از رهنمودهای عامی که در خصوص حمایت از کودکان در اسناد بین‌المللی مطرح شده و در گفتار پیشین توضیح داده شد، این اسناد رهنمودهای خاصی نیز در ارتباط با حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه دیده دارند که بسیار قابل توجه است. این رهنمودها را تحت سه عنوان «کیفر انگاری حمایتی»، «جرم انگاری حمایتی» و «جبران خسارت» در این مجال مورد بررسی قرار خواهیم داد. به علاوه میزان مراعات هر یک را در حقوق جزای ایران بررسی خواهیم کرد.

۲-۱- جرم انگاری حمایتی

یکی از رهنمودهای جزایی خاص، جرم انگاری در خصوص اعمال مجرمانه است که علیه کودکان اتفاق می‌افتد. کودکان یکی از آسیب پذیرترین افراد جامعه - از نظر جسمی و روحی - هستند که نیاز به حمایت‌های خاص دارند. این حمایت‌ها می‌تواند در قالب جرم انگاری حمایتی از کودکان و به دو صورت تحقق پیدا کند: یکی جرم انگاری رفتارهای آسیب‌زا، علیه کودکان و دیگری جرم انگاری عدم گزارش جرایم علیه کودکان.

- جرم انگاری رفتارهای آسیب‌زا، نسبت به کودکان

امروزه رفتارهای آسیب‌زا، نسبت به کودکان رو به افزایش است. در بسیاری از نظام‌های حقوقی کشورهای پیشرفته و در حیطه حقوق کیفری بزرگسالان، اصل جرم‌انگاری مضیق پذیرفته شده است و در عین حال به دلیل شرایط خاص کودکان، جهت حمایت از اطفال جرم انگاری موسع پیش‌بینی شده است.^۱ جرم انگاری موسع در این زمینه تنها با توجه به آمار رفتارهای آسیب‌زا نسبت به کودکان، نوع رفتارها، ویژگی‌های مرتکبان آن و همچنین زیر ساخت‌های بومی

۱. ر.ک. : زینالی، حمزه، نوآوری‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراروی آن، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، گروه پژوهش و رفاه اجتماعی، شماره ۱۷، سال دوم، ۱۳۸۲.

و فرهنگی قابل اعمال است.

در نظام حقوقی ایران و مطابق قانون مجازات اسلامی^۱ و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان^۲ برخی از رفتارهای آسیب زا جهت حمایت از کودکان جرم تلقی شده و قابل مجازات می‌باشند. صدمه و آزار و اذیت و شکنجه روحی و جسمی، نادیده گرفتن عمدی سلامت، بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل از اقداماتی است که اگر علیه کودکان ارتکاب شود، وصف مجرمانه می‌یابد. ماده‌ی ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ مقرر می‌دارد: «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد.» مطابق دیگر مواد این قانون، سایر عناوین مجرمانه عبارتند از خرید و فروش، بهره‌کشی و بکارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق.^۳

به علاوه قانونگذار ایرانی با تصویب این قانون برای اولین بار، واژه «کودک‌آزار» را وارد ادبیات قانونی ایران کرد. و مهمتر اینکه ماده ۵ این قانون کودک‌آزاری را جزو جرایم عمومی می‌داند که نیازی به شکایت شاکی ندارد. و این گام بلندی است در راستای حمایت از کودکان بزه دیده. به علاوه در همین قانون، خرید و فروش و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی کودک - به عنوان رفتارهایی که مستقیماً موجب آسیب کودکان می‌شود - جرم انگاری شده است.^۴

۱. مصوب ۱۳۷۰.

۲. مصوب ۱۳۸۱.

۳. ماده ۳ همان قانون: «هرگونه خرید و فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارت وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا به جزای نقدی از ده میلیون ریال محکوم می‌گردد.»

۴. قابل ذکر است که علاوه بر این قانون در «قانون مبارزه با قاچاق انسان» مصوب ۱۳۸۳ نیز خرید و

- جرم انگاری عدم گزارش جرایم علیه کودکان

جرم انگاری عدم گزارش جرم نسبت به کودک توسط اشخاص حقیقی و حقوقی نیز نوعی دیگر از جرم انگاری حمایتی در حوزه حقوق کیفری کودکان محسوب می‌گردد. عدم گزارش دهی جرم در بسیاری از نظام‌های پیشرفته حقوقی در زمره جرایم علیه عدالت قضایی است و محدوده آن، تنها شامل جرایم علیه کودکان نیست.^۱

از این رو، اگر اشخاصی شاهد وقوع جرم علیه کودک بوده و یا اطلاعاتی در این زمینه دارند و گزارشی به مراجع صالح رسمی یا غیر رسمی ارائه ندهند، خود مجرم تلقی شده و قابل مجازات خواهند بود.

قانونگذار با جرم انگاری رفتارهای آسیب زا، نسبت به کودکان از یک سو و جرم انگاشتن عدم گزارش جرم علیه کودک، از سوی دیگر گستره جرم انگاری حمایتی در حوزه کودکان را توسعه داده و از این طریق ساز و کار مؤثری را برای آشکار ساختن جرایم علیه کودکان پیش بینی کرده است.

نکته قابل توجه در این خصوص اینکه، از آنجا که بسیاری از جرایم ارتكابی علیه کودکان، به ویژه، سواستفاده از کودک یا بی توجهی نسبت به وی (کودک آزاری)^۲ توسط والدین، سرپرستان قانونی و اشخاص صورت می‌گیرد که به نوعی مراقبت و نگهداری از کودک را به عهده دارند، این جرایم ماهیت پنهانی داشته و به علاوه اینکه کودکان به دلیل ضعف در قوای جسمانی و دماغی از مقابله با این جرایم و نیز از گزارش دادن آنها به مراجع ذی ربط ناتوان هستند، جرم انگاری عدم گزارش جرم علیه کودک، یکی از مؤثرترین شیوه‌های آشکار کردن رفتارهای آسیب‌زا است.

فروش انسان به عنوان یک عمل مجرمانه قابل مجازات محسوب می‌شود که در صورتی که بزه دیده کودک باشد موجب مجازات اشد خواهد بود.

۱. ر.ک. : کوشا، جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی، نشر میزان، ۱۳۸۱.

۲. در مباحث پیش در خصوص این موارد مفصلاً توضیح داده شد.

در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، برای اولین بار عدم گزارش وقوع جرم علیه اطفال جرم‌انگاری شده است که پیش از این سابقه‌ی تقنینی نداشته است. براساس این قانون، همه اشخاصی که به نوعی مسؤولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را برعهده دارند، به محض مشاهده موارد «کودک آزاری» مکلفند تا مراتب را جهت پیگیری قانونی، به مقامات صلاحیت‌دار قضایی اعلام کنند. در غیر این صورت به مجازات حبس و جزای نقدی محکوم می‌شوند.^۱

اگر این افراد از جرم مطلع شوند و از ارایه گزارش آن خودداری کنند به عنوان مجرم قابل تعقیب نیستند زیرا گزارش دادن تنها در صورت «مشاهده کودک آزاری» تکلیف شده است، که جهت حفظ حقوق و منافع کودک بهتر بود این امر نیز مورد توجه قانونگذار قرار می‌گرفت.

مشارکت سایر نهادها نیز در راستای دستیابی سریع‌تر به اهداف ترسیمی ضروری می‌کند. در سال‌های اخیر، نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی و برخی نهادهای غیر دولتی با راه اندازی خط تلفن و یا به صورت حضوری بسترهای لازم برای اعلام این جرم را فراهم کرده‌اند.

۲-۲- کیفر انگاری حمایتی

گرچه تغییرات بسیاری در مجازات‌ها روی داده است اما سیاست کیفری به عنوان یک تدبیر پیش‌گیرانه همچنان ابزار مهمی جهت مقابله با جرم است. در خصوص حمایت از کودکان یکی از راهکارهای مناسب، اعمال سیاست‌های کیفری علیه مرتکبان جرایم علیه اطفال است. این واکنش‌های جزایی می‌تواند در قالب اعمال کیفرهای مالی، تشدید مجازات و استفاده از کیفرهای دنباله‌دار باشد.

۱. ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان چنین مقرر می‌دارد: «کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نوعی مسؤولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلفند به محض مشاهده موارد کودک آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام کنند. تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه و جزای نقدی تا پنج میلیون ریال خواهد بود.»

- تشدید کیفر مرتکبان جرایم علیه کودکان

پس از جرم‌انگاری رفتار آسیب‌زا نسبت به کودکان اعمال ضمانت‌اجراهای شدید برای مرتکبان جرایم علیه اطفال می‌تواند تا حدی مفید باشد. سیاست جنایی افتراقی همانگونه که گستره جرم‌انگاری انواع رفتارهایی را که به نوعی موجب آسیب به کودک می‌شود افزایش می‌دهد، به همین ترتیب، تحمیل کیفرهای شدید علیه مرتکبان آن را امری ضروری قلمداد می‌کند. بنابراین جهت مقابله با این گونه جرایم، تعیین کیفر شدید در راستای بازدارندگی عام و بازدارندگی خاص که موجب انصراف مرتکب از ارتکاب جرم می‌گردد لازم است.^۱

پیش‌بینی ضمانت‌اجرای کیفری جهت عدم گزارش جرم علیه کودک که توسط قانونگذار جرم‌انگاری شده است، جهت شناسایی کودکان بزه‌دیده یا آزار دیده و همچنین حمایت همه‌جانبه از آنها از دیگر سیاست‌های پیش‌گیرانه در بعد کیفری می‌باشد. کیفرانگاری حمایتی از نوع تشدید، اصولاً وقتی که جرم مهم علیه کودک به وقوع می‌پیوندد و موجب آسیب جسمی و روحی شدید و پایدار در کودک می‌شود، قابل اعمال است.

در قوانین ایران این نوع کیفرانگاری به گونه‌ای پیش‌بینی شده است. سیاست کیفری قانونگذار ایران در صورت ارتکاب جرم علیه کودک، از نوع تشدید مجازات است. در خصوص جرایم پزشکی، دارویی و مواد خوراکی و آشامیدنی و در مورد جرایم اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت می‌کنند، نیز در ارتباط با قاچاق انسان، اگر بزه‌دیده کودک باشد، مرتکب متحمل مجازات شدیدتری می‌گردد تا وقتی که بزه‌دیده فرد بزرگسال باشد.^۲

اما این سیاست همیشه اعمال نمی‌گردد و قانونگذار ایرانی به لحاظ تأثیرپذیری

۱. عباچی، مریم، پیش‌گیری از بزه کاری و بزه‌دیدگی کودکان، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴۶، ۱۳۸۳.

۲. ر.ک. : بند ز ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات پزشکی و دارویی و مواد خوراکی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ - قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت می‌کنند مصوب ۱۳۷۴ - تبصره ۱ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان.

چندگانه از منابع فقهی، عرفی و بین‌المللی همواره در کیفرانگاری حمایتی دچار نوعی تشتت گردیده است. به این جهت در برخی جرایم، مانند قتل یا برخی جرایم جنسی، کودک بودن یا بزرگسال بودن بزه‌دیده، تأثیری در میزان نوع مجازات ندارد، در حالی که در برخی از جرایم مانند جرایم جنسی علیه کودک به لحاظ گستردگی آسیب وارده بر وی، باید سیاست‌های تشدید مجازات برای مرتکب اعمال شود.

در حقوق ایران، حتی گاهی سیاست‌های تخفیفی در اعمال کیفر برای مرتکبان جرم علیه کودک به کار رفته است، مانند تقلیل مجازات حد رجم در زناى زن محصنه با پسر نابالغ به حد تازیانه^۱ و یا تقلیل مجازات قصاص به پرداخت دیه و تعزیر در صورتی که پدر یا جد پدری فرزند خود را به قتل برساند.^۲ همچنین از آنجا که تنبیه کودک در حد متعارف توسط والدین و سرپرستان قانونی در قوانین ایران جرم محسوب نمی‌شود^۳ و عرف تنبیه در ایران با توجه به وسعت جغرافیایی و تنوع نژاد و قومیت بسیار متفاوت است، ممکن است اعمال مجازات برای مرتکب منتفی باشد در حالی که امکان دارد کودک متحمل آسیب‌های جسمی و روحی شدید گردد.

مطابق اسناد بین‌المللی از آن جا که والدین مسؤول تربیت کودک هستند، در صورتی که یکی از آنان، موجب ورود آسیب شدید به وی گردد، با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر جرم، متحمل مجازات شدید می‌شود. البته قانونگذار ایران، در برخی از جرایم مانند سواستفاده مالی از غیر رشید، توسط والدین یا سرپرستان قانونی و یا وصی، کیفرانگاری حمایتی شدیدی را به واسطه نوع رابطه مرتکب با کودک بزه‌دیده، به کار می‌گیرد.^۴ اما برای دستیابی به اهداف ترسیم شده در

۱. تبصره ماده ۸۳ ق.م.ا.

۲. ماده ۲۲۰ ق.م.ا.

۳. ماده ۵۹ ق.م.ا.

۴. ماده ۵۹۶ ق.م.ا.

راستای حمایت از کودکان تدابیر دقیق‌تر، همگون‌تر و شفاف‌تری باید از سوی قانونگذار ایرانی اندیشیده شود.

- اعمال حمایت کیفری دنباله‌دار

تشدید کیفر مرتکبان جرم علیه کودک به عنوان کیفرانگاری حمایتی، می‌تواند ساز و کار مؤثری در راستای پیش‌گیری از این گونه جرایم به حساب آید. اما این مسأله مطرح می‌شود که آیا واکنش شدید - از نوع اعمال کیفر شدید - می‌تواند جهت مهار بزده دیدگی کودکان - چه در مرحله تکرار و چه تکوین - در حوزه پیش‌گیری کیفری کار آمدترین شیوه باشد؟ طبیعت جرایم علیه کودکان در بسیاری از موارد کاملاً متفاوت با ارتکاب جرم علیه بزرگسالان است، لذا باید ساز و کارهای ویژه‌ای برای حمایت از کودکان در نظر گرفته شود.

حمایت کیفری دنباله‌دار ناظر به گونه‌ای از حمایت است که در کنار پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای کیفری، ضمانت‌اجراهای دیگری از نوع غیر کیفری مانند ضمانت‌اجراهای مدنی، انضباطی، اداری و نظایر آن را پیش‌بینی می‌کند.^۱

بر این اساس در برخی از جرایم علیه کودکان، به ویژه در پدیده کودک‌آزاری، اعمال کیفر دنباله‌دار در کنار واکنش کیفری شدید، مؤثرترین راه پیش‌گیری از این پدیده است. والدینی که کودک را مورد سوء رفتارهای جسمی، جنسی، روانی و عاطفی شدید قرار داده‌اند و در پی آن کودک دچار آسیب‌های شدید گردیده است، در شرایط خاص علاوه بر اینکه باید مجازات شدیدی را به جهت ارتکاب این جرایم متحمل شوند، به تشخیص دادگاه و با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر جرم، استمرار و تکرار این رفتارها و عمق آسیب‌های وارده، از حق نگهداری کودک خود و زندگی با او به صورت موقت و یا دایم محروم می‌شوند. بنابراین سلب حق حضانت، یک ضمانت‌اجرای مدنی است که در کنار ضمانت‌اجرای کیفری برای والدینی که مرتکب جرم مهم علیه کودک خود شده‌اند، قابل اعمال است.

۱. رایجیان اصلی، مهرداد، بزده دیده شناسی حمایتی، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۸۰.

ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک در این زمینه چنین مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو تضمین خواهند کرد که کودک از والدین خود برخلاف میل آنان جدا نشود، مگر در مواردی که مقامات واجد صلاحیت مطابق قوانین و مقررات قابل اعمال و پس از بررسی‌های قضایی حکم دهند که این جدایی برای تأمین عالی‌ترین منافع کودک ضروری است. چنین حکمی ممکن است در مواردی خاص، از قبیل سو استفاده از کودک یا بی‌توجهی به او توسط والدین یا زمانی که والدین جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند و باید در مورد محل اقامت کودک تصمیم‌گیری شود، ضروری باشد.»

برخی دیگر از ضمانت‌اجراهای غیر کیفری در کنار ضمانت اجرای کیفری، مانند توبیخ، تعلیق، انفصال موقت و یا دایم مراکز آموزشی، تربیتی و مراکز نگهداری کودک و ابطال پروانه در صورت ارتکاب جرم علیه کودک، از نوع دیگر کیفرهای دنباله‌دار محسوب می‌شوند.

در حقوق کیفری ایران، اعمال برخی از کیفرهای دنباله‌دار برای مهار جرایم علیه کودکان پیش‌بینی شده است. به عنوان مثال سو استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی و فحشا، نکدی‌گری و قاچاق و همچنین تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف از مواردی است که موجب سلب حق حضانت از والدین می‌شود. ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی چنین مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر و مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد محکمه می‌تواند به تقاضای ارباب طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رییس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند. موارد زیر از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

- ۱- اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار؛
- ۲- اشتها به فساد اخلاقی و فحشا؛
- ۳- ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی قانونی؛

۴- تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف؛

۵- سو رفتار با طفل یا اجبار او به ورود به مشاغل غیراخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدی و قاچاق.»

۳-۲- جبران آثار ناشی از بزه دیدگی

در کنار جرم انگاری و کیفر انگاری حمایتی، پیش بینی ساز و کار جبران آثار بزه دیدگی به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های حقوق کیفری در راستای حمایت از کودک و جهت جبران آسیب‌های وارده بروی به شمار می‌رود. بر خلاف مؤلفه‌های حمایتی پیشین، آثار سازوکار جبران به شکلی مستقیم بر کودک بزه دیده تبلور می‌یابد. بنابراین هر چه که گستره ساز و کار جبران، فراگیرتر و متنوع تر باشد، از گسترش آسیب وارده در اثر ارتکاب جرم علیه کودک جلوگیری و تا حد بسیاری این آسیب‌ها جبران خواهد شد.

جبران آثار ناشی از بزه دیدگی، شامل جبران خسارت، پرداخت غرامت، اعاده وضع به حالت سابق، اعاده حیثیت یا توان بخشی و تاوان است.^۱ سازوکار جبران به دو گونه رسمی و غیررسمی محقق می‌شود. انواع جبران رسمی عبارت است از جبران خسارت - مادی و معنوی - پرداخت غرامت دولتی، عمومی و فردی و انواع جبران غیر رسمی یا جبران ترمیمی شامل میانجی‌گری، سازش، داوری و صلح و آستی است که از طریق نشست‌های بزه کار - بزه دیده، نشست‌های گروهی خانوادگی، حلقه‌ها یا محفل‌ها و هیأت‌های شهروندی اعمال می‌شود.^۲

سند بین‌المللی «رهنمودهای راجع به عدالت برای کودکان بزه دیده و شاهد جرم» به دولت‌های عضو توصیه می‌کند که زمینه‌های سازو کار جبران آثار بزه دیدگی را از طریق رسمی، غیررسمی و یا به صورت ترکیبی فراهم سازند. در

۱. رایجیان اصلی، مهرداد، منبع پیشین، ص ۱۹۹.

۲. جبران خسارت بزه دیده نقطه حرکتی است که در ادامه به مدل عدالت ترمیمی منتهی شد که دارای مبانی و فرایندهای کاملاً متفاوت با مبانی و فرایندهای نظام عدالت کلاسیک است. جهت مطالعه تفصیلی. ر.ک. به: غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۵.

این راستا سند مذکور تأکید می‌کند که این ساز و کار باید به طور کامل، آثار بزه دیدگی را در بر گیرد و در جهت اعاده حیثیت کودک بزه دیده و اعاده به وضع سابق اعمال شود. آثار بزه دیدگی از طریق صدور قرار پرداخت خسارت توسط بزه کار، برنامه‌های پرداخت غرامت از سوی دولت و صدور قرار مبنی بر پرداخت خسارت در رسیدگی‌های مدنی، قابل جبران است.^۱

قابل ذکر است که هزینه‌های مربوط به توان بخشی اجتماعی و تحصیلی، درمان پزشکی، مراقبت‌های بهداشت روانی و خدمات حقوقی نیز مشمول ساز و کار جبران می‌شوند. به طور کلی گستره‌ی ساز و کار جبران شامل جبران مادی و معنوی می‌شود که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

- جبران آثار مادی

خسارات مادی ناشی از بزه‌دیدگی شامل هر گونه آسیب مادی، بدنی است. خسارت مادی به لحاظ عینی بودن قابل محاسبه است. چنانچه در اثر ارتکاب جرم علیه کودکان، خسارات مادی یا عینی بر آنان وارد شود باید از طریق پرداخت پول یا استرداد مال توسط بزه کار یا دولت جبران گردد.

جبران خسارت مادی در حقوق ایران از طریق پرداخت دیه و نیز جبران خسارت ممکن است. گرچه در خصوص پرداخت دیه در اغلب موارد، مقدار دیه

۱. اعلامیه «اصول بنیادی برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت» (Declaration of Basic Principles of Justice) در پاراگراف ۹ تأکید می‌کند که جبران خسارت باید به عنوان یک ضمانت اجرا در کنار ضمانت اجرای کیفری اعمال گردد. پاراگراف ۸ همین اعلامیه نیز مقرر می‌دارد که بزه کاران یا اشخاص ثالثی که مسؤول رفتارشان هستند در صورت اقتضا و به طور منصفانه باید نسبت به جبران خسارت از بزه دیدگان، خانواده و بستگان آنها اقدام کنند. جبران خسارت به این نحو باید شامل استرداد مال یا پرداخت پول به آسیب دیده یا زیان دیده، پرداخت هزینه‌های حاصل شده در نتیجه بزه دیدگی، خدمات رسانی و ترمیم حقوق بزه دیده باشد. همچنین در پاراگراف ۱۲ بر این امر تأکید دارد که هرگاه دریافت کامل غرامت از سوی بزه کار و یا از سایر منابع ممکن نباشد، دولت‌ها باید جهت پرداخت غرامت مالی به اشخاص زیر تلاش نمایند: الف. بزه دیدگانی که در نتیجه جرایم شدید متحمل آسیب بدنی جدی شده‌اند یا به سلامت جسمی و روحی آنها آسیب رسیده است. ب. خانواده و به ویژه بستگان افرادی که در نتیجه این بزه دیدگی فوت کرده یا دچار ناتوانی جسمی یا روانی شده‌اند.

برای بزه دیده بزرگسال و کودک تفاوتی ندارد اما در برخی از آسیب‌های وارده به فرد، اگر بزه‌دیده کودک باشد جهت حمایت از وی، دیه همراه با ارش تعیین می‌گردد.^۱

به علاوه در قانون مجازات ایران، جبران خسارت مادی در خصوص سو استفاده از افراد غیر رشید تصریح شده است. ماده ۵۹۶ ق.م.ا. در این خصوص مقرر می‌دارد: «هرکس با استفاده از ضعف شخصی یا هوی و هوس او یا حواجی شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی ... به هر نحو تحصیل کند علاوه بر جبران خسارت مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود...»

– جبران آثار معنوی

ارتکاب جرم علیه کودک گذشته از ایراد خسارت‌های مادی، موجب ورود خسارت‌های معنوی نیز بر کودکان می‌شود که از درجه اهمیت بسیاری برخوردار است. خسارت‌های معنوی می‌تواند با توجه به نوع جرم، شدت، اوضاع و احوال حاکم بر جرم، ارتباط با کودک و سایر مؤلفه‌ها، بازتاب‌های متفاوتی داشته باشد. آسیب‌های عاطفی و حیثیتی یا همان آسیب معنوی، مفهوم روان شناختی دارد و به معنای تأثیرپذیری یا واکنش روانی است که در برخورد با امور بیرونی در ذهن پدید می‌آید و به شکل‌هایی چون ترس، کینه، خشم و درد نمایان می‌شود. گسترش آسیب‌های عاطفی ممکن است به یک آسیب یا بیماری روانی منتهی شود که در این صورت اقدام‌های درمانی ضروری می‌کند.

گرچه خسارت‌های معنوی مانند آثار مادی جرم، عینی و قابل محاسبه نیست اما نباید به این بهانه به دست فراموشی سپرده شود، چرا که امروزه راه‌های زیادی برای التیام این آلام پیش‌بینی شده است که باید توسط نظام تقنینی مورد ملاحظه قرار گیرد. علاوه بر استفاده از روان‌شناسان برای التیام به ویژه کودکان

۱. ماده ۴۵۳ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «هرگاه کودکی که زبان باز نکرده در اثر کر شدن نتواند سخن بگوید، جانی علاوه بر دیه‌ی شنوایی به پرداخت ارش محکوم می‌شود.

می‌توان با ترسیم فرایندهایی مانند عذرخواهی بزه‌کار از بزه‌دیده این دردها را التیام بخشید. «عذرخواهی» امروزه به عنوان یکی از اهداف مدل عدالت ترمیمی مورد توجه قرار گرفته است که می‌تواند تا حد زیادی خسارات معنوی ناشی از جرم را جبران کند.^۱

در حقوق ایران وفق ماده‌ی ۹ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۷۸، «ضرر و زیان قابل مطالبه به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- ضرر و زیان‌های مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است.
- ۲- منافعی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می‌شود.»

لذا واضح است که طبق این قانون خسارت‌های معنوی در زمره خسارت‌های قابل جبران محسوب نمی‌شود. عدم جبران خسارت معنوی در جرایم نسبت به کودکان می‌تواند موجب زیان‌های بیشتری شود.

در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ نیز جبران خسارات کودکان اعم از مادی و معنوی پیش‌بینی نشده است و جهت جبران این خسارات باید به مواد عمومی مراجعه کرد که با بررسی آنها نیز روشن می‌شود که اشاره‌ای به جبران معنوی خسارات نشده است. لذا بازنگری جدی قانونگذار در این زمینه به نظر ضروری می‌رسد.

ب- حمایت‌های خاص از کودکان بزه‌دیده در اسناد بین‌المللی و حقوق جزای

ایران

در خصوص رهنمودهایی که اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق کودک و در راستای حمایت عام از اطفال بزه‌دیده توصیه و تشریح کرده‌اند و میزان مراعات آنها در حقوق کیفری ایران در مبحث پیشین بحث و بررسی شد. در این مبحث و

۱. جهت مطالعه تفصیلی در خصوص انواع فرایندهای ترمیمی ر.ک. : دهقانی اشکذری، علی، جلوه‌های عدالت ترمیمی در مرحله‌ی اجرای پاسخ‌های کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۷.

در راستای حمایت‌های خاصی که اسناد بین‌المللی به آنها اشاره کرده‌اند به بررسی انواع بزه دیدگی‌های کودکان خواهیم پرداخت و اینکه قانون جزای ایران برای پیشگیری از این نوع بزه دیدگی‌ها چه تمهیداتی را اندیشیده است؟
پیش از ورود به بحث حمایت از کودکان بزه دیده ضروری است که به مفهوم «کودک‌آزاری» به عنوان علت اصلی بزه‌دیده شدن اطفال پرداخته شود تا تصویری روشن از بحث ارایه گردد.^۱

عده‌ای معتقدند که کودک‌آزاری عبارت است از «هرگونه فعل یا ترک فعلی که موجب آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان و یا سعادت و رفاه و بهزیستی کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسؤول هستند، می‌شود.»^۲

با دقت در این تعریف تعریف آشکار می‌شود که بزه کودک‌آزاری تنها توسط «والدین یا افرادی که نسبت طفل مسؤول» هستند ارتکاب می‌یابد، حال آنکه این تعریف مفهوم دقیق کودک‌آزاری را آشکار نمی‌سازد. چرا که «هرگونه آسیب جسمی یا روانی، سواستفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی افراد زیر ۱۸ سال توسط دیگر افراد و به صورتی که غیر تصادفی نباشد، کودک‌آزاری تلقی می‌شود.»^۳ لذا کودک‌آزاری شامل هر گونه بدرفتاری جسمی، جنسی و روانی با کودک یا غفلت از کودک (زیر ۱۸ سال) توسط فرد بالغ (بالای ۱۸ سال) می‌باشد.

معیار قضاوت بدرفتاری، معمولاً قضاوت اجتماعی یا به عبارت دیگر کلیه اعمال خشونت‌آمیز یا غیر خشونت‌آمیز یا غفلت است که کودک را در معرض خطر قرار

۱. Child Abuse

۲. جامد، محمد علی، قانونی در عزلت: مطالعه جرم‌شناختی و حقوقی بزه کودک‌آزاری، ارایه شده در همایش حقوق کودک، کمیته پشتیبان حقوق کودکان و زنان، ۱۳۸۷، ص ۴.

۳. مدنی، سعید، کودک‌آزاری در ایران، انتشارات اکنون، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۲۰.

دهد.^۱

دایره‌المعارف نوین بریتانیا، کودک‌آزاری را، این چنین تعریف می‌کند: «کودک‌آزاری که ستمگری نسبت به کودکان^۲ نیز نامیده می‌شود، از خشونت جسمی بی‌اندازه؛ بدرفتاری زبانی توجیه ناپذیر؛ خودداری از ارایه سرپناه، تغذیه، درمان پزشکی یا حمایت عاطفی مناسب؛ زنا با محارم؛ دیگر موارد آزار جنسی یا تجاوز جنسی و تهیه وقیح نگاری کودکان دلالت داشته باشد.»^۳

عنصر قابل توجه در این تعریف آن است که وارد آمدن درد به کودک باید «توجیه‌ناپذیر» باشد تا عنوان کودک‌آزاری بر آن صدق کند. لذا ورود درد به کودک در اثر تزییق و اکسن نمی‌تواند از مصادیق کودک‌آزاری محسوب شود.

نظر به تعاریف گفته شده، آشکار می‌گردد که دایره کودک‌آزاری بسیار وسیع است و تنها شامل رفتار آزار دهنده والدین و سرپرستان اطفال نمی‌شود، بلکه هر نوع رفتار مجرمانه افراد بالغ علیه کودکان تحت عنوان کودک‌آزاری قابل مطالعه است.

قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان» مصوب ۱۳۸۱ نیز به گونه‌ای تدوین شده است که کودک‌آزاری را فقط محدود به اعمال والدین و سرپرستان نمی‌داند. ماده ۲ این قانون مقرر می‌دارد: «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب می‌شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است.» در ماده ۵ همین قانون مقرر شده است: «کودک‌آزاری از جرایم عمومی بوده و نیاز به شاکی خصوصی ندارد.» با روشن شدن تعریف کودک‌آزاری و در نتیجه آن بزه‌دیدگی اطفال نوبت به بحث حمایت قانونی از اطفال بزه‌دیده یا قربانیان کودک‌آزاری می‌رسد. ماده ۳۹

۱. نقیعی مفرد، حسام، مروری بر پدیده کودک‌آزاری با تأکید بر کودک‌آزاری جنسی، ارایه شده در همایش حقوق کودک، کمیته پشتیبان حقوق کودکان و زنان، ۱۳۸۷، ص ۲.

۲. Cruelty to Children ..۲

The new Encyclopedia Britannica , vol , 3 London : Encyclopedia Britannica Inc, ۳

1998 , p. 207.

کنوانسیون حقوق کودک در این زمینه مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو، همه اقدامات مناسب را به عمل خواهند آورد تا بهبودی جسمانی و روانی و بازسازی اجتماعی کودکانی که قربانی هرگونه بی‌توجهی، بهره‌کشی، سوء استفاده، شکنجه یا هر شکل دیگری از رفتار یا تنبیه بی‌رحمانه غیرانسانی و خفت آور یا برخورد‌های مسلحانه شده اند، تسریع گردد. این گونه بهبودی و بازسازی باید در محیطی حاصل شود که سلامت، عزت نفس و منزلت کودک را تقویت کند.»

از این بحث روشن می‌شود که دولت برای تأمین و حمایت از حقوق کودک، با هرگونه بی‌توجهی، خشونت، سوءاستفاده و... چه در کانون خانواده و چه در اجتماع مقابله کرده و از جنبه مدنی و جزایی اقداماتی را در این راستا انجام می‌دهد که در این مبحث تلاش می‌شود این حمایت‌ها در قوانین ایران و بر اساس اسناد بین‌المللی مورد مطالعه قرار گیرد.

مطالب این مبحث در دو گفتار «حمایت از بزه‌دیدگی جسمی و جنسی اطفال» و «حمایت از بزه دیدگی روانی و بهداشتی اطفال» مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ادامه در شماره بعد